تهران و باکو در افول ائتلاف های فرامنطقه ای طرح دوستی تازه را می ریزند

آرایش سیاسی جدید در کرانه های خزر

[محمد نوری]

در چهارمین سال زمامداری الهام علی اف، باکو اشتیاق عمیقی برای شروع یک همکاری تازه با تهران نشان می دهد. حتی با برآورد کمی از شمار سفرها ودیدارهای دیپلماتیک می توان به وجود یک عزم یا تصمیم در پشت این آمد وشدها پی برد. در صدر اتفاقات سیاسی دو همسایه، دیدار تازه احمدی نژاد نشسته است. دیداری که افکارعمومی هر دو کشور انتظار دارند چشم انداز تازه دوستی را بگشاید. دراین دیدار موضوع ها ومسائلی به بحث گذاشته شد که زمانی در شمار چالش های سخت و گره های ناگشودنی در فیمابین بود. شاید برای حریفان منطقه ای ایران که مذاکرات باکو را با حساسیت دنبال می کردند قدری شگفت انگیز باشد که تهران و باکو درطراحی الگوی تازه مناسبات شان سهمی را به حوزه همکاری های نظامی و امنیتی اختصاص داده اند و قرار است وزرای دفاع ومقام های نظامی دو کشور پس از این دیدار سران، باب تبادل دانش و تجهیزات دفاعی را باز کنند.

به این صورت با ساز و کارهای تازه ای که سیاستگذاران دو کشور به کار بسته اند به نظر می آید روابط تهران و باکو از سیر آرامی که در دوره رهبر پیشین آذربایجان - حیدر علی اف - طی می کرد گامی فراتر نهاده است. بنابراین اگر دولتمردان تهران و باکو این دیدار و تماس ها را یک توفیق دیپلماتیک تعبیر کنند چندان دور از واقعیت نیست. روابط ۲ همسایه از موانع سخت و پیچ های تندی عبور کرده است واثر چندانی از عناصر تنش زای دهه گذشته، دیگر به چشم نمی آید.

در نگاه به مسیر تازه روابط دو کشورکه سنگ بنای آن در مذاکرات احمدی نژاد و علی اف نهاده شد شاید سؤال مبنایی این باشد که چه اسباب و عواملی بستر این دوستی را مهیا کرد و با کدام ساز و کارها دیپلماسی تهران و باکو توانستند از فضای آشفته دهه گذشته عبور کنند؟

● پایان دوره التهاب و تردید

نزدیکی امروز دو همسایه یک اتفاق نمادین است از آن رو که به بخشی از تصورات وتلقی های ناظران پایان می بخشد، ناظرانی که در پیش بینی ها ومحاسبات خود از صف بندی های تازه قفقاز - باکو را فقط در باشگاه کشورهای حریف ایران می دیدند و حتماً بر این گمان خویش پای می فشردند که این جمهوری در راه بی بازگشت گرایش به غرب روی نهاده است وانتظار دولت هایی مانند ایران یا روسیه برای ازسرگیری دوستی و همگرایی با این همسایه شان بیهوده است.

به این ترتیب سیاست خارجی ایران در این ناحیه دوره ای را در تردید وابهام به سر کرده است. در زنجیره جمهوری های شوروی سابق، آذربایجان موردی خاص برای ایران بوده که تنظیم مناسبات جدید با آن بنا به دلایلی که خواهیم گفت پیچیده تر از نقاط دیگر بوده است. در عمر ۱۶ ساله جمهوری آذربایجان، تهران برای احیای این دوستی و پیوند تاریخی خویش با این همسایه اش با سدی از حریفان سرسخت روبه رو شد وجالب است که نطفه این رقابت گسترده با ایران ازهمان سپیده دم استقلال این جمهوری یعنی ۱۹۹۱ نهاده شد یعنی روزی که تهران تولد یک کشور مسلمان را در مجاورت خویش خوشامد گفت. واکنش هایی که آن روز از مسکو و پایتخت های غربی به این گام دوستانه ایران نشان داده شد به قدری آغشته به خصومت بود که ناظران در آن رمز کشمکش های بزرگ را یافتند.

به این صورت بود که از همان ابتدا در باکو بنای یک ناسازگاری طولانی با ایران نهاده شد آن هم نه به دست مردم آذربایجان که با شوق رهایی از اسارت ۷۰ ساله کمونیسم به کرانه ارس سرازیر شده و دست دوستی به سوی برادران ایرانی خویش دراز کردند بلکه این ناسازگاری از سوی قدرت ها وبازیگرانی آغازشد که در دوره جدید حیات این جمهوری نقش برادر بزرگتر باکو را برای خویش تعریف کرده بودند. مدت کوتاهی این سنگ اندازی در بستر دوستی ایران و همسایه اش از سوی لابی روس ها انجام شد بویژه در سال های آغازین دهه ۹۰ که اغلب ساختارهای قدرت و امور اقتصادی و فنی دردست این طیف قرار داشت. اما زمان زیادی نگذشت که تهران با حریف ناخوانده وسرسختی که با سودای خطرناک تغییر هویت آذربایجان وارد باکو شده بود روبه رو شد یعنی ترکیه. رهاورد هجوم این حریف ایران به قفقاز فقط این نبود که مردان آن روز آنکارا با شعار قرن ۲۱ قرن طلوع پان ترکیسم در پی ایجاد کمربند اتحاد نژادی از باکو تا مغولستان رفتند. بلکه ورود ترکیه به حوزه قفقاز و آسیای مرکزی حاصل یک تصمیم راهبردی در جبهه اروپا و غرب بود. جبهه ای که ترکیه را خاکریز اصلی خود در کشمکش های قفقاز قرار داد. دولت وقت آنکارا مأموریت یافت تا الگوی جدید سیاست موسوم به « سد نفوذ جدید» را مقابل دو رقیب ایران و روسیه پیاده کند.

به این صورت نزدیک یک دهه از سیاست خارجی باکو در کشاکش آن روز زمامداران ترکیه با ایران سپری شد. رقابت های آزمنداته آن روز آثار سیاسی و روانی فراوانی در جمهوری نونهال آذربایجان بر جای گذاشت که هنوز هم دیپلماسی ایران و روسیه با رسوبات این رقابت ها دست وپنجه نرم می کنند.

از نتایج نامیمون این ائتلاف فرامنطقه ای که ایران در نوک پیکان دشمنی آن قرار داشت مهم ترین اش این بود که تصمیم گیران آمریکایی متأسفانه گام دوم آنها درتعیین جغرافیای ترانزیت انرژی نفت وگاز این منطقه با موفقیت پیش رفت. بزرگترین مثال این اتفاق امضای چندین قرار داد مهم نفتی با سران باکو است که در رأس این قرارداد ها طرح خط لوله باکو- جیهان نشسته است. طرحی که نام طرح قرن به خود گرفت و باعث شد که یکی از فرصت های طلایی ایرانی ها درتعیین مسیر انتقال انرژی خزر از کف خارج شود.

اغلب غول های اقتصادی وسرمایه گذاری اروپایی وآمریکایی درمیادین نفتی آذربایجان اردو زدند. در نظر بازیگران بزرگی همچون بریتیش پترولیوم، اکسون موبیل، شورون یا کونوکوو... در واقع این جمهوری قفقاز و پایتخت نامی آن به دریچه ورود به دنیای ناشناخته دومین مرکز هیدروکربن جهان تبدیل شد.

اما عامل دیگری که در پیامد حضورکاروانی این ائتلاف، فرایند دوستی ایران و همسایه شمالی اش را با تأخیر تاریخی روبه رو کرد دگرگونی پر التهابی است که در ساخت اجتماعی - سیاسی این جمهوری نقش می بندد. در پهنه سیاست جمهوری آذربایجان، احزاب وجناح های سیاسی تازه ای پا به میدان می گذارند که هرکدام به حمایت یکی از قطب های رقیب ایران پیشتگرم هستند. به بیان دیگر جغرافیای سیاسی آذربایجان نیز همانند قلمرو نفتی این کشور میان جناح های قدرت تقسیم می شود.

در صحنه باکو چندین گروه با پرچم و شعارمطلوب یکی از قدرت های خارج قد علم می کنند از جریان های ملی گرا که دردو شاخه ناسیونالیست های افراطی تحت حمایت آنکارا ومیهن دوستان معتدل تحت پوشش روسیه سازماندهی می شوند تا نحله های لیبرالی و سکولارهایی که مستقیم ازسوی دولت ها ومجامع غربی پشتیبانی می شوند.

اپوزیسیون چند لایه مخالف دوستی تهران و باکو علاوه بر مجهز بودن به تشکیلات حزبی و ارتباطی، صاحب ارگان های رسانه ای گسترده می شدند که تا همین امروز هم خط تقابل تهران و باکو را دنبال می کنند. در تقسیم کار نانوشته، طیف شونیست ها برای گسستن علاقه فرهنگی وتحریکات قومی تلاش می کنند و طیف غربگرایان برای سوق دادن باکو به همپیمانی و همسویی با سیاست های خصومت آمیز آمریکا واروپا.

سخت ترین روزهای سیاست خارجی ایران در تعامل با این همسایه نوپدید خود همان سال های ۳- ۱۹۹۲ یعنی زمانی است که طیف نخست یعنی شونیست های جبهه خلق با رهبری ایلچی بیگ قدرت می گیرند. این نحله افراطی در عمر کوتاه یک ساله خویش علاوه بر در هم ریختن مناسبات باکو با همسایگانش، جمهوری آذربایجان را در مسیر دو رشته بحران سهمگین قرار داد: اول کودتا و جنگ داخلی و دوم تحریک حریف منطقه ای این کشور یعنی ارمنستان به کشورگشایی که به تصرف یک پنجم اراضی این کشور و الحاق ناحیه قره باغ به خاک ارمنستان منجر شد.

با این همه زمان چندانی نگذشت که جریان واگرایی در صحنه این کشور از پای درآمد. گروه هایی که سوار بر هیجانات روزهای استقلال قدرت گرفته بودند در اداره امور جمهوری و تأمین مطالبات مردم ناراضی عاجز ماندند و واقعیات سخت ژئوپلتیک این سرزمین سر نیروهای ماجراجوی این سرزمین را به سنگ کوبید. پس از زنجیره شکست جریانات شونیستی و سکولاریستی در باکو که با قدرت یابی علی اف ها شروع شد. جناح قدرت های خارجی مانند آنکارا و آمریکا نیز که در سودای تبدیل باکو به پایگاه منطقه ای خویش بودند به بازبینی در سیاست خویش دست زدند.

اگر دولتمردان تهران و باکو این دیدار و تماس ها را یک توفیق دیپلماتیک تعبیر کنند چندان دور از واقعیت نیست، روابط ۲ همسایه از موانع سخت و پیچ های تندی عبور کرده است واثر چندانی از عناصر تنش زای دهه گذشته، دیگر به چشم نمی آید

جمهوری اسلامی در عبور از این دوران پر آشوب مشکلات بسیاری را به جان خرید. فتح باب دوستی جدید با باکو برای دیپلماسی ایران، هدفی گنج گونه است که به رنج بسیار به دست آمده است. از این منظر اگر به سیر تحول تازه سیاست خارجی ۲ کشور نگاه افکنیم، دوستی نوین تهران و باکو را باید پیروزی یک اندیشه به حساب آورد. اندیشه واقع گرایی که خصلت بارز نسل دوم زمامداران این کشور پس از قدرت یابی حیدر علی اف است.

● دوستی تازه بر شالوده سیاست واقع گرایی (دیپلماسی علی اف ها)

علی اف ها بی گمان در معماری روابط کنونی با کو نقش غیر قابل انکاردارند. اندیشه پدر وپسر در برقراری دوستی با تهران بیش از هر چیز از این جا ناشی می شود که آن دو در طراحی روابط خارجی باکو اصول یک دیپلماسی واقع نگر را عملیاتی کردند. به این صورت از خصوصیات سیاست خارجی واقع نگر که امروز در چهره دیپلماسی باکو نمایان است تکیه و تمرکز بر اصل منافع ملی است. یعنی پارامترهایی مانند اصل مرزهای جغرافیایی وتاریخی مشترک یا پیوندهای فرهنگی را بر هر اصل دیگری ترجیح بخشیدند. وقتی این نگاه، محور تصمیم در دوره رهبری حیدر علی اف مبنا قرارگرفت دوستی و همکاری با کشورهای همسایه به یک سیاست اجتناب ناپذیر تبدیل شد، موانع و مشکلات موجود دراین مسیرآرام آرام به قوه تدبیر دو طرف رنگ باخت.

پس از این مردان باکو بر این منطق پای فشردند که ایران به عنوان همسایه بزرگ، دیگر قابل نادیده گرفتن نیست. تهران همچنین به عنوان همسایه ای نگریسته شد که همکاری با آن بخش غالبی از نیازهای این جمهوری را تأمین می کند. این واقع گرایی باعث شد که درکشاکش نیروهای سیاسی که از خروج روس ها تاکنون در باکو حضور داشته اند اما هیچ کدام از اندیشه های تند رو قادر نشده اند به رأس هرم قدرت راه پیدا کنند.

الهام علی اف سهم افزون تری از این واقع بینی دارد از آن رو که این سیاستمدار ۴۶ ساله به نسل نوین کمونگران قفقازتعلق دارد، نسلی که در قیاس با پیشینیان واسلافش انعطاف و مدارای بیشتری در دیپلماسی از خویش نشان می دهد. الهام علی اف که بیشتر عمر خود را در روسیه و غرب سپری کرده بسیاری از تعصبات زمامداران آسیای مرکزی و قفقاز را ندارد. او از همان زمان که ریاست مهم ترین نهاد قدرت یعنی شرکت ملی نفت را دردست داشت خود را فردی طالب تعامل ومذاکره شناساند و در مدت زمامداری اش نشان داد که داد و ستد پرسود با همسایه بزرگ جنوبی را به دیدگاههای قومی و تاریخی خاص رایج در کشورش ترجیح می دهد.

اما برای سیاستگذاران تهران نکته بارز در اندیشه های سیاسی علی اف دوم این بود که اوپیش از آن که بر کرسی پدر تکیه زند از خود تصویر یک دولتمرد دوست ایران نشان داده و با اپوزیسیون مخالف ایران تضاد عمیق دارد.

با این پیشینه بود که با به قدرت رسیدن وتثبیت قدرت علی اف پسر یخ های تردید ودبدبینی کم کم آب شدند. تهران نیز برای تحکیم پایه های اعتماد نوین در برهه به قدرت رسیدن علی اف ها همانند روز استقلال این جمهوری تمام قد در کنار او ایستاد. از نگاه زمامداران باکو دور نماند که در روزهایی برابر او مخالفان صف بسته بودند تهران به استقبال رهبر جدید این جمهوری رفت.

دیپلماسی ایران و آذربایجان از ابتدا با سه مسأله بغرنج روبرو شد: قضیه قره باغ، پرونده اقتصادی - حقوقی دریای خزر و بالاخره تحرکات سیاسی و قومی محافل اپوزیسیون داخل وخارج آذربایجان

پس از روی کار آمدن الهام علی اف، روابط اقتصادی میان ایران و جمهوری آذربایجان گسترش یافت که بارزترین مورد آن، عقد قرارداد دالان شمال - جنوب برای اتصال خطوط راه آهن ایران به جمهوری آذربایجان و روسیه، گشایش کنسولگری جمهوری آذربایجان در تبریز نیروها حذف نشده و هم اکنون نیز به فعالیت خویش ادامه می دهند اما مدیریت سیاسی علی اف مانع از آن شده که این گروه ها سیاست برتری بر همدیگر را پیش گیرند یا به بازی حذفی و ماجرا جویانه علیه رقیبانشان یا علیه حکومت دست زنند.

در جرگه اپوزیسیون حزب دموکرات آذربایجان بخشی از تشکل موسوم به «اردوگاه آزادی» (آزادلیق بلوکو) تحت رهبری رسول قلی اف، رئیس پیشین مجلس این جمهوری است که به فساد مالی متهم شده.

علاوه بر حزب دموکرات مساوات به رهبری عیسی قنبراف، جبهه خلق به رهبری علی کریم اف که عمده ترین تشکل سیاسی مخالف دولت جمهوری آذربایجان به شمار می رود.

اما الهام علی اف در این فضای اپوزیسیونی به آسانی دوره سخت جانشینی را که در همه جمهوری های شوروی سابق آزمونی سخت و بحرانی است، پشت سر گذارد و به این صورت توانایی خود را در اداره این جمهوری نفت خیز منطقه و عبور از سد حریفان به اثبات رساند.

اکنون خاندان علی اف (حیدر علی اف و پسرش الهام) که ۱۴ سال است حکومت را در جمهوری آذربایجان در دست دارند اگرچه با انتقاداتی مواجهند اما توانسته اند این کشور را از وضعیتی که در آستانه تجزیه و جنگ داخلی قرار داشت به مرحله ای برسانند که همه بازیگران از شرکتهای بزرگ نفتی بریتانیا و آمریکا تا دولت های آسیایی آن را به عنوان شاهراه انتقال نفت و گاز دریای خزر به بازارهای جهانی شایسته سرمایه گذاریهای میلیاردی بدانند.

موفقیت بارز علی اف دوم در رهبری آذربایجان وقتی رقم خورد که او در حالی که چند همسایه اش درشورش وانقلاب رنگی غوطه ور بودند به راحتی توانست راه ورود این موج را دریایانه های باکو سد کند.

وقوع تحولات عمیق سیاسی در منطقه آسیای میانه و قفقاز، برخی را به این نتیجه رساند که احتمال دارد جمهوری آذربایجان نیز بستر بعدی انقلاب های مخلمین باشد. سال ۲۰۰۳ هنگام فوت علی اف پدر احزاب این کشور برای ایجاد انقلاب مخملی خیز برداشتند. آن ها سفیر آمریکا را همراه خود ساخته، لباس نارنجی به تن کرده با گل میخک به عنوان نماد انقلاب زیر پرچم حزب مساوات جمع شدند. اما از همان ابتدا الهام علی اف، رئیس جمهوری آذربایجان به مردم این کشور نسبت به مهار این جریان اطمینان داد.

او که از اقتدار خویش مطمئن بود، گفت: «وقوع انقلاب احتیاج به مقدماتی دارد. اپوزیسیون باید دارای رهبری قدرتمند باشد، محبوبیت دولت باید پائین باشد و مسائل و مشکلات اجتماعی و سیاسی باید رو به افزایش باشد» و با این سخنان پرونده هواداران انقلاب مخملی در باکو را بست.

● پرونده سه مسأله کلیدی تهران وباکو

دیپلماسی ایران و آذربایجان از ابتدا با سه مسأله بغرنج روبرو شد: قضیه قره باغ، مناقشه انرژی و پرونده اقتصادی - حقوقی دریای خزر و بالاخره تحرکات سیاسی و قومی محافل اپوزیسیون داخل وخارج آذربایجان.

هرکدام از این معضلات سه گانه برای چند صباح روابط ۲ کشور را متلاطم کرده است. اما تنها چیزی که موجب شد این مسائل سه گانه به اجزای پایدار یک بحران در روابط فیمابین تبدیل نشود قوه تدبیر و هوشیاری سیاستمداران دو سوی ارس بود.

در بحث تحرکات قومی که از فردای فروپاشی شوروی، جمهوری ها را احاطه کرد، حکومت علی اف ها بر حسب تجربه سیاسی خویش متفاوت از همه همتایان خویش عمل کردند. آنها در عین حفظ علقه های دوستی خویش با اتباع آذری از موج حرکت هیجان آلودی که از آنکارا برخاسته بود کناره گرفتند. به این صورت بود که جریان های قومی به اپوزیسیون اصلی حکومت علی اف ها تبدیل شدند. درگیری علی اف ها با شونیست ها از دوره ای که هنوز حیدرعلی اف زمامدار نخجوان بود، شروع شد واین تضاد با سقوط نخستین حکومت شونیست های جبهه خلق به دست این سیاستمدار کهنه کار عمیق تر شد. الهام علی اف در مواجهه با این جریانات توفیقاتی افزون تر از پدر کسب کرد. او که خود به واسطه تحصیل در آکادمی های روسیه واروپا دیدگاه انتقادی تری نسبت به پدیده نژادگرایی دارد و با آنکه درسال ۳-۹۱ در استانبول بوده اما از ابتدا به مهار سیاسی گروه هایی که قومیت را سکوی رسیدن به مطامع سیاسی قرارداده بودند، همت گماشت.

بخش دیگری از توانایی حکومت جدید علی اف در مصاف قوم گرایان، زمانی روشن شد که این جریانات زیر چتر دولتمرد مطرود باکو یعنی قلی اف برای کشاندن کشور به کمربند انقلاب های رنگی تلاش کردند تا حدی که آنها به تشکیل چندین میتینگ و تظاهرات وتحصن های دنباله دار به شیوه گرجستان و اوکراین مبادرت کردند اما حاکمیت باکو به راحتی توانست بر این غائله غالب آید.

تهران نیز با توجه به این رویکرد زمامداران باکو، همه موج های موسمی قوم گرایان برای به هم زدن بستر آرام مناسبات را به آسانی از سر گذراند. شاید با همین برآورد بود که جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم حاکمیت علی اف ها با گشایش کنسولگری در تبریز که از خواسته های مهم باکو بود موافقت کرد وحتی این امکان را برای میهمان خویش فراهم کرد که در نخستین سفر خود در ژانویه ۲۰۰۵ به ایران ابتدا از شهر تبریز بازدید کند.

در دومین موضوع مبتلابه دو کشور یعنی مسأله خزر قراین حاکی از این است که این ماجرا تا دیروز در شمار معضلات عمیق سیاست خارجی دو کشور قرار داشت، وسایه ای سنگین بر فضای روابط فیمابین انداخته بود اکنون در حال خارج شدن از ردیف مناقشات وزارت خارجه دو کشوراست. چنان که ازخبرها بر می آید یکی از اهداف عمده سفر احمدی نژاد فراهم ساختن اجلاس بزرگی است که قرار است با حضور مقام اول آذربایجان کلید یک همکاری وتفاهم تازه را در زمینه خزر بزند. با این وجود تهران و باکو منتظر گشودن گره رژیم حقوقی خزر که هدفی بلند مدت نمانده اند، آنها برای خارج کردن دیپلماسی خویش از سکون طولانی در ماجرای خزر به تشکیل کمیته ها وکمسیون های کارشناسی مبادرت کرده اند که به نظر می آید نقش ملموسی در پیشبرد روابط داشته اند.

علی اف وقتی مذاکرات مینسک و دیپلماسی طرف های اروپایی را ناکارآمد یافت برآن شد تا یک رویکرد خاورمیانه ای هم بر سیاست خارجی خویش بیفزاید رویکردی که درآن ایران جایگاه یک وزنه مؤثر را برای باکو ایفا می کند

در زمینه قره باغ با آن که تهران حمایت صریح خود را از موضع همسایه مسلمان خویش ابراز کرده و با صراحت خواهان اعاده اراضی اشغالی این کشور شده است اما باکو انتظار بیشتری از همسایه قدرتمند خویش دارد. هم اکنون بحث آزادسازی اراضی و احقاق حقوق آذربایجان در قره باغ به محور سیاست علی اف تبدیل شده است و حاکمیت باکو که خود را در تثبیت امور و اوضاع سیاسی و اجتماعی داخل موفق می بیند چندی است که همه توجه خویش را به بازگرداندن شهرهای خوجالی، لاچین و... از اشغال ارتش ارمنستان معطوف کرده است.

در همین راستا علی اف وقتی مذاکرات مینسک و دیپلماسی طرف های اروپایی را ناکارآمد یافت برآن شد که از یاری خود تهران و سازمان های اسلامی وعربی بهره کامل بگیرد. او بر این مبنا یک رویکرد خاورمیانه ای هم بر سیاست خارجی خویش افزوده است، رویکردی که درآن ایران جایگاه یک وزنه مؤثر را برای باکو ایفا می کند.

موفقیت بارز علی اف دوم در رهبری آذربایجان وقتی رقم خورد که او در حالی که چند همسایه اش درشورش وانقلاب رنگی غوطه ور بودند براحتی توانست راه ورود این موج را دریایانه های باکو سد کند

آگهی مناقصه شماره ۴-۸۶

صنایع خودروسازان فتح درنظر دارد نسبت به واگذاری امور مربوط به: ۱- عملیات ساخت کابین خودرو ۲- رنگ آمیزی کابین خودرو ۳- موتاژ قطعات مکانیکی، برقی و تزئینات خودرو و نصب کابین بر روی شاسی اقدام نماید. بدین منظور از شرکت‌های واجد شرایط دعوت بعمل می آید حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی با دردست داشتن معرفینامه به نشانی: تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - سه راه داروپخش - صنایع خودروسازان فتح - معاونت بازرگانی نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند.

(هزینهٔ درج آگهی بعهدهٔ برندهٔ مناقصه می‌باشد)

تلفن: ۴۴۹۸۱۱۸۰ - ۴۴۹۸۴۶۵۳